

اطلاعات

در غرب خود نیست.

بعضی

محصلین دامنا دست مطیع را بیوسد وی من - منه همینطور گاریز
پیشون - تاریک در آغوش بکرید باد - دفاتر و اطافل مگذرانم؟ پیر
است بخواهم .

ماه - یک ماه قرمزرنگ آهست از بالای یام هموار نیابان هده واعمه
آن ازاق پنجره ها در کف اطاق لزبیده آهست و آرام جلو بیاد در
ظرف بکسات از بخچوایه بالا آمده شکل صلب بینه ام می اند
در تختخواب بزرگ دهانی زیر لحاف بینی که دارای حاشیه های آمی
و فرم است دراز کشیده مولی خوان نمیرد مکرر چشمهاست
و همینکه نزدیک بیشده عالم نامحدودی فرو روم لرزش سختی از خواب
بیرون کشیده بحال یادار برگیرداند باز هم گوش نریک ساخت کیا
داده ازین بیانو بان بیله میظلم .

عاقبت برخاسته لباس میبینه و از پنجه بعیا ط پریده حکم را
حدا زده بطرف چمن و مزارع دور دست روانه میشون رخدشتنگی و
ذیانی قمر و اتماها میکنم هو از نزهت خاصی دارد و دامنه دهن
پیداوار نیست ،

پیکره همه راه آعن از وسط چمن و مزرعه میبینه غیره میکند
زیر بیوه عرعر می شینه و از دور غفار نبریع شب نیابان

میشود انجکس خفیقی از صدای حرکت فلاتن بگوش رسیده و گاهی های
لو کوموتیف موج بزرگی از روهنانی جوش اندخته و در افق ایندوه
ترن بر سرعت طوفان نزدیک میشود . تمام اطافها رونم است و در فراصه
یک نفس کشیدن تمام دستگاهها با گاز ها - بارها مثل برق رعدته
دو باره میله های راه آعن در روهنانی نمناک ماه پیدا دار میشود و این
دور جز چراغ قمر عقب توان که چشم سوزان و قدمید

کشند نگاه میکند چیز دیگر دیده نمیشود .

تدویجاً فرض قمر از سرخی بزرگ و بقیدی تغیر و نک غیب
دهد، من به تندی در سایه آپی و نک در درختهای غان قلم بر پیدارم
و از شاخه درختها قطرات عینه پشت گردیده - گاهگاهی یام

بریشه های بند شده با از روی سنتکهای لزبیده زمین بیخوره . همینکه
بعنzel پیرس روهنانی سری دنگ روز ظاهر میشود . جراغ اطافهم
هزوز روش است . با کمال پاس بوضت خود در این افق مروری
کرده بینه دارم پیش از این قادر بر ادامه این زندگانی نیستم . باید
از عمرم پست سال دنگ برگزیده تا پیوند برای این طرز خد و
زندگانی آمده شوم . خسته و نا توان لباسهارا کنده و درازی میکنم .
و همینکه خواب بیخواهد بمن مساط شود - حق میکنم زنگ زده شد
کرده ام . خیر مخانهای چنگ باش زوده گریانم از هنخوا هد کرد .

زنگ نفس بزرگ ساعت ده زده شد . در سکناس نلا
یک ساعت درس گفته ام . شاگرد های چهار ده ساله از جلو

رد شده در آزادی متفصل شده شنلکهای میرند . از پنجه گلاس آن ها را کنم میکنم
در ظرف همین یک تایه که از کلاس درس بخطاطقدم گذاشت
اند بشر آن تیزیات کی یافته و آن صورت اجباری و خود گرفتگی
های کلاس زانل گشته جلد و چانکی متفعلیات من را از سر گرفته
اند . آنها وقتی که در برآمده این زندگانی را در آنها ظاهر میازد .

آنها که صاحب خوش و دهاد تبله از درس و مدرسه بیزار و لی اشتران
تریخواهی فرو رفته و دسته تبله از درس و مدرسه بیزار و لی اشتران
خود را باقیه سالوسی متوجه میازند . عمر هفت ساله مدرسه آنها را
اینچوری باز آورده است .

قبل از آن که آنها از مزارع - بازی ها و عوالم کوکان
محروم کرده مدرسه بگذارند خمیرشان اضاف - صمیمه - و ساده بود
و قانون بدوی شری در اجتماعات و زندگانی می آیش آنها حکومت

می کرد .
بنی هریک از آنها که قوی تر و با نشاطتر بوده بیش و بقیده ایوس
و مطبع بودند .

لیکن بمعیط مدرسه بانفره شدی های هفتگی - بکنوع لیافت
تعجبی در آنها مخمر کرد بینی هر کسی که خوراک در شن را پیش

ضمن می کند زیان کلاس و قبه و لو این که سنک را درده اند آنکه
باید از او تبعیت کند . و بهین جهت است که دروغالب کلاس اطفال
قوی سالم متوجه در پر ابر تحقیلات « عرض دار » ها خصوص جنایت
عاقبت بالهش آنها بگزینند میگیرند نزدیک ایده آن مدرسه روی این است که محصل

باید از دلخواه زیر روهنانی جراغ انتظار هر ایشان دفاتر
باشی « ساعی باشد » .

نهیه مقدمات جنگ امیریالیستی با اتحاد
شوری

ریکا - در چشم پریه لونی که دولیا
بعلم می آید جلس شاوره از فرانشیزهای بچره
های لتونی و استونی و فلااند با هر کت لا بوره
میرال فرانه و استونی رستون امیرال انگلیس منقد
گردید .

راجح بقرار داد رفائل و انگلیس و انگلیس ۵
شرق فردیک

مسکو - روز نامه پراودا اظهار
می دارد که نزدیکی دارم - این روزه ایمه ایشان

با هفت دام التزاید اقلایی و آرایی
طبی ملل مستعمرانی موجب آن گردید که
ین انگلیس و فرانس قراردادی راجح - بلوهای قطع

عراق منقد بتوود قرارداد دلایل بدن دارد
که در اجلات اتفاقات انگلیس و فرانس در این

مرحله تایل درجه تحقیقی حاصل شده بجزیده
مزبور خاطر شان میکند که این قرار داد

میرساند که ایندهای بورزوایی آلمان باستفاده
از اختلاف انگلیس و فرانس که وزیر ای
آلمان در چکنس نشانی برای انجام آن
میگزند موهوم بود

مشاغل کسوان در اتحاد شوروی
مسکو - هشت مشاوره کمیسری مشاغل

جمهوری شوروی روس مسنه دخول نیوان
را در مشاغل تولیداتی موره مطالعه قرارداد

از طرف هیئت اعزامی کمیسون طرح وینی
ملکتی که در نواحی ماکیتو کورسک و

شاختی معالاتی در این مسئله نموده بودند
را بر توییق تقدیم گردید هیئت اعیان از

که با توسعه مشاغل نیوان معمون میشود که
زن ها تهری با ایتمام به کارهای که تخصی

بقطم ا . دعا کنونه آمای ۴۳ - رشت قرجمهم . م . مظفرزاد
باز هم ورق میزمن . ندرتا بمزایای طبیعی بادان و اقصار و
خصوصیات احوال ملل برخورد میکنم و قسم عمده ادیات مزبور از
شکوه . جلال مدادان بزرگ - حالات سلطان - تاریخ جنکها و سرمه های
های جنگی بده و خلاحت کرده است .

از اینکه عنوان وطن تعبیرات غلط یکطرفی مخدود گرفته و با
ای اصول جزء ملکات عمومی میشود خود لرزیدم . شرح حال شعرای
بزرگ - نقاشی - موسیقی دانها کجا است؟ و چنینه قربانیهای این طرز
تصحیلات از احوال ملل برخورد میکنم و قسم عمده ادیات مزبور از
تاریخ جنگ های آنها را می دانم و این از بهترین معلومات آنها

بیشمار میروند .
لیکن از اخ - نیوون - گوته - اینشندوف - دورر - روپرت

کوش چیزی نیامده است . دیگر امسا و ز
کتاب را روی میز انداختم . این طرز تعلیم چه معنی دارد؟ من
برایجه اینجا تم؟ اینجا چه کار میتوانم نکنم؟ چنینه نمیم با این
تمالی غلط همdest بشوم ۱۹۰۰

مدادها و قلمها بامی و دفاتر روی دفاتر و سلسله لوحها صدامی
دهند ، پنجه اطافرا یاز میکنم . باد بیوی چمن مطبوب جنگل و بیار
را شامعه میساند و با حرس و لعل آنرا استشاق میکنم . ایراهنوز

سرعت و دیشوند .
حس میکنم یک قرن سیری شده و اوراق زرد کتاب مزبور

از قمر بکصد سال افکاری که در مقابل قدرت های مطبوع و فرمایردار
و بده ویرامون دروغ و مداهنه میکشد بالا آمده است . باد مام مارس .
متوجه آم ساخته میگویم : چه های من ...

چهل چفت پیش بروم دوچه میشود ولی چیزی را کمی خواستم
سکوی فراموش میکنم . و اگر فراموش نکرده بودم نمیتوانستم آن
احساسات را بیچه زانو . تفسیر کنم .

میخواهم آنها را از گردیده زندگانی - اضطراب ای رها و
طوفان های حیات مستحضر سازم ولی برو گرام در این قسم
ها لال می باشد و افلاوات تاخی کتاب را در قسمی زنگ زده شد
بچه ها مرخص هستند .

۳-

تاج نویانی چراغ روی میز بر قیمت . یک سنه دفاتر آنی
زنگ بهلوی بکشته مرکب فرم گذاشته شده اینها تکلیف اطفال است
که باید تصحیح کنم .

نگاه میکنم غلط های را قلم فرم میزمن کاغذ خشک کنها را لای
دفتر گذاشته و می ندم .
بعد بر میخیزم آیا زندگانی همین است؟ نظام یکنها خاتم ایام و

ساعات ۱ آم اتفاقات مزبور چقدر میان تهی و جامد است . تصور
می کردم زندگانی آرام این جا را حتم می کند ولی می بینم روز
به روز بر اضطراب افزوده می شود . آه شهای اینجا چه درگولاوی

حیات خانه ای میکنم . گاوها نفس میکنند . دست و یار
ستگان آنها در سایه غروب آفتاب بر می بینند همه حد ای دهد

دخترهای ده روی چهاریه های گوچک نشته شیر شان را
می دوشنند .

مثل این که هر یک از دختران مزبور در اطافی نشته و تنه
خالدار گاوها دیوار های اطاق را نشیل داده اند .

زن ها سرها را بلند نشود تیسم کن دندان های سفید
و سالم خود را شان میدهند .

آهان ملو از شیر است و سبان آنها زیر نیمته آیی دنگ
حرکت میکند .

چشمهاشان در تاریکی میدرخشد ، از هر طرف بیوینجه و
دواب شاه، را هدف میسازد . قدری جلو در روزه حیاط سریا مانده دوباره
اطلاق بر میگردید .

دفاتر آی دلخواه زیر روهنانی جراغ انتظار هر ایشان دفاتر
باشی « ساعی باشد » .

را خود اداره صرف خود موسه نماید و

این عمل هم برای این بود که اکر قشت
برای اصلاحات ساله کشیده شود و مقدار ایشان

دولت حاصل غرامات دهند و مخصوصاً ایشان را
آنند بد است صحیح است منظور ما هم این

است که آن را اصلاح و قابل ایشان
استفاده سازیم عایدات آیا بجهه شوده

که در اینجا اینجا میگذرد .
که در اینجا اینجا میگذرد .
که در اینجا اینجا میگذرد .

مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .

مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .

مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .

مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .

مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .

مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .

مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .
مشکل ایشان را در تخته ایشان میگذرد .

کشته رانی از دهه و راه آهن چفا این قیل
کارها را دولت نماید اداره کند باید بوسیله
شکنی اول داد مردم بدست مردم بسازند و
بخواهیم این ساختمان ها را با ها فرشی
هم ندارند و هم مشکل است هر قدر درست
السلطان تمهیل کنید مهذا برای آنها نگوار
است .

وزیر مالیه - پیشنهاد آقای اعتبار
برای اینکه مقدم نکرد است که حتماً عوض ایجاد
و اگذار شود یا هر خوش شود و هر دو نظر در
آن پیشنهاد مطلع گردیده از این جهت قبول
می شود .

تبصره - دولت در تعیین میزان قیمت
و ترتیب پرداخت و سایر های این میزان میشود
مریوط میگردید .

آقای اعتماد سازد نه اینکه پیشنهاد
های این میزان میگردید .

جواب آقای وزیر مالیه دایر بر اینکه پیشنهاد
هر کس حاضر است سرمایه های خود را در
آینه داده و قیمت آن را در تاریخ هنوز

دوست دارد .

دکتر طاهری - خبر کمیون مودجه راجع به تخصیص
عواید راه آهن پیشنهادی باشد .

بودجه مخارج جاری هریک از سیستم
تعمیرات آن راه آهن میگردید .

مذکوره در این قانون باید بجز

